

مهدی سامع

روز جمعه اول آذر ۱۳۸۱ برابر ۲۲ نوامبر ۲۰۰۲ در سالروز قتل زنده یادان داریوش فروهر و پروانه‌ی اسکندری تظاهرات گسترده‌ای در تهران، اصفهان، مشهد و شیراز برگزار شد. در این تظاهرات گسترده زنان و مردان آزادیخواه یکبار دیگر تنفر و انزجار خود را از رژیم استبدادی مذهبی حاکم بر کشور ما با شعارهایی همچون «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «مرگ بر استبداد، زنده باد آزادی»، «مرگ بر طالبان، چه در کابل، چه در تهران». «انصار جنایت می‌کند، رهبر حمایت می‌کند» و خواندن سرود «یار دبستانی» و «ای ایران» ابراز داشتند. خبرگزاری دولتی ایسنا اعلام کرد که در این حرکتها «تجمع‌کنندگان شعارهایی علیه مسوولان عالی‌رتبه‌ی جمهوری اسلامی سر دادند.» نیروهای سرکوبگر رژیم به همراه لباس شخصیها، که همگی چماقداران وابسته به رژیم هستند، به این تظاهرات و گردهماییها به شکل وحشیانه حمله کرده و صدها تن از مردم خشمگین را زخمی و دستگیر کردند. به گزارش خبرگزاریها در میان دستگیرشدگان، جوانان حدود ۲۰ سال و مردان و زنان میانسال به چشم می‌خوردند. ایسنا گزارش نمود که «در مواردی برخورد تند و گاهی همراه با ضرب و شتم حاضران توسط برخی از عوامل انتظامی به شدت بخشیدن جو ملتهب کمک می‌کرد.»

پرستو فرهر در مراسم یادبود پدر و مادرش گفت: «امروز پس از چهارسال پی‌گیری به همراه و از سوی دیگر بازماندگان قربانیان قتل‌های سیاسی آذر ۷۷ اعلام می‌کنم که ما از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد تقاضای تحقیق و بررسی این پرونده را خواهیم کرد.» و تأکید کرد که: «آمران قتل‌ها و دست‌اندرکاران فکری و سازمانی این جنایت‌ها به محاکمه کشیده نشدند.»

در این مراسم پیام ناصر زرافشان وکیل بازداشت شده‌ی بازماندگان قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای به مناسبت فرارسیدن سالگرد قتل جنایتکارانه داریوش فروهر و پروانه‌ی اسکندری قرائت شد. وی دربخشی از پیام خود نوشته است که: «تاریک‌اندیشان در این پندار باطل که با بستن فضای جامعه می‌توانند آمران اصلی این فجایع هولناک را پنهان سازند و ازاین طریق مانع فوران خروش حق طلبانه و دادخواهانه‌ی مردم شوند، به تعقیب و آزار و پرونده سازی علیه کسانی پرداختند که می‌کوشیدند زوایای مبهم این ماجرا را روشن کنند، ولی این اقدامات نتیجه‌ی معکوس داد و ثابت کرد که قتل‌های زنجیره‌ای کار یک محفل بسته نبوده است، زیرا این بگیر و ببندها و پرونده سازی‌ها در شرایطی صورت می‌گرفت که دیگر از آن محفل خودسر ادعایی و قدرت و امکانات اعضای آن اثری باقی نمانده بود. در پیام ناصر زرافشان تأکید شده است: «آشکار بود که قدرتی سواى محفل ادعایی و بالاتر از آن عوامل اجرایی خرده‌پا در کار است.»

خبر این گردهمایی و تظاهرات گسترده زنان و مردان دلیر ایران زمین بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های جمعی جهان پیدا کرد.

در همان روز سید علی خامنه‌ای در نماز جمعه تهران جوانان و دانشجویان ایران «جمعی از انسان‌های مفسد» نامید و گفت: «آن روز دشمن به آن جنجال امید فراوان بسته بود اما ملت با متانت و اقتدار به میدان آمد و غائله را ختم کرد.» و سپس به شرایط کنونی پرداخت و گفت «دشمن هم اکنون نیز گاه با پیدا کردن بهانه و گاه بدون بهانه درصدد تحریک و ایجاد آشوب است. البته نباید بهانه‌ای به دست دشمن داد اما همه بدانند کسانی که نظام اسلامی را به استبداد و ضدیت با آزادی متهم می‌کنند یا عامل دشمنند و یا فریب‌خورده‌ی او.» خامنه‌سپس به شکل آشکار خاتمی و دارودسته دوم خردادیها را ساده لوح نامید و گفت: «دشمن سعی خود را بر ایجاد اختلاف و دو دستگی میان مسوولان و خدمت‌گزاران نظام متمرکز کرده است و با عناوین مختلف همچون اصلاح‌طلب و محافظه‌کار تلاش دارد در یکپارچگی مسوولان خدشه ایجاد کند و متاسفانه عده‌ای ساده لوح هم در داخل این حرف‌ها را تکرار می‌کنند.»

خامنه ای که برای غلبه بر بحرانی که سرسر ولایتش را فرا گرفته هیچ راه حلی ندارد و سرکوبهای وحشیانه اش نیز نتوانسته مردم و به خصوص زنان و مردان جوان کشور ما را آرام کند، خود سادلوحانه فکر می کند که با این نوهینا و ناسزاها به جوانان ایران می تواند قدرت خود را مستحکم کند. در حالی که جوانان کشور ما بارها نشان داده اند که خواستار برچیده شدن بساط ننگین رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و استقرار دموکراسی. سکولاریسم و آزادی هستند و در این میان اصلاح طلبان قلابی هم به اندازه خامنه ای از خشم و نفرت مردم می ترسند. روز یکشنبه ۳ آذر محمدرضا خاتمی - دبیر کل - محسن میردامادی - معاون دبیر کل - و سعید حجاریان - عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت ایران اسلامی طی یک کنفرانس مطبوعاتی در مورد پرونده‌ی موسسات نظرسنجی و وضعیت پژوهشگران زندانی ترس خود را از حرکت‌های جوانان ابراز داشتند. آنان جوانان کشور ما را از تند روی بر حذر داشتند و به خصوص از همبستگی دانشجویان با مردم که یک نمونه آن در تظاهرات خیابانی روز اول آذر خود را نشان داد ابراز نگرانی کردند.

برای اصلاح طلبان قلابی همچون محمدرضا خاتمی، محسن میردامادی و سعید حجاریان جنبش جوانان کشور ما تا جایی ضرورت دارد که آنان بتوانند به «چانه زنی» با خامنه ای و عوامل او از ان استفاده، و یا درستتر بگوئیم سو استفاده کنند. اما مبارزه جوانان میهن ما برای دموکراسی، آزادی و جدایی دین از دولت تا سرنگونی این نظام ارتجاعی ادامه و تحقق آرمانهای دیرین مردم ادامه خواهد یافت.